

دانشجویان نخبه رشته‌های مرتبط مثل مخابرات و فیزیک اتمی می‌رفتم و به آن‌ها می‌گفتم طرح‌های حشمان را به ما بدهند. سپس این طرح را به تهران می‌فرستادم. چندی به همین روال گذشت و چون نتایج خیلی خوبی گرفته بودیم رئیس سازمان تحقیقات و جهاد خود کفایی نزا کشور در تهران از فرمانده لشکر ۷۷ پیروز ثامن الائمه^(ع) درخواست کردم که به آنجا بروم و کارم را ادامه دهم. خودم اصلا راضی به این تغییر موقعیت شغلی نبودم. تازه چند سال بود که داشتم کنار خانواده ام زندگی می‌کردم اما دستور از بالا بود و باید می‌رفتم. حدود شش ماه در آنجا کار کردم و در این مدت کلی درخواست دادم که با انتقال من به مشهد موافقت کنند. سرانجام به این شهر آمدیم و همین جا کارم را ادامه دادم.

● شناسایی هزار طرح و اجرای ۱۵۰ مورد

به گفته فتحعلی زاده ابتدا چون دفتر کارشان در ساختمان ارتش بوده برخی نخبه‌ها به دلیل ذهنیت گنگی که داشتند حاضر نبودند به آنجا بیایند. از طرفی هم هر کس می‌آمده باید قوانین نظامی را رعایت می‌کرد. به عنوان مثال ورود تبلت، فلش و امثال این‌ها به پایگاه‌های نظامی مقررات خیلی سخت‌گیرانه‌ای دارد بنابراین وقتی نخبه‌های می‌خواستند برای ارائه طرح‌های بیابند با مشکلات زیادی روبه‌رو می‌شدند. اومی گوید: رابرتی‌هایی انجام دادیم و قرار شد دفتر مستقر به ما اختصاص دهند. از ابتدای فروردین سال ۹۰ کارمان در این دفتر جدید آغاز کردیم و از داخل پادگان به خارج آن منتقل شدیم. از این پس من مسئول دفتر سازمان تحقیقات و جهاد خود کفایی نزا منطقه شرق کشور شدم و طرح‌ها و ایده‌های نخبگان را پس از شناسایی به سازمان تحقیقات و جهاد خود کفایی ارتش در تهران می‌فرستادم. برای طرح‌هایی که آنجا تصویب می‌شد بودجه در نظر می‌گرفتند و به مرحله تجاری سازی می‌رسید. از طرفی چون دفتر مستقری در خارج از پادگان داشتیم توانستیم روابط را توسعه دهیم. به دانشگاه‌ها، پارک‌های علم و فناوری، مراکز تحقیقاتی مشهد، گرگان، شاه‌رود، بجنورد و بیرجند می‌رفتم و با مسئولان، رؤسا، استادان و دانشجویان جلسه می‌گذاشتم. نتیجه این تلاش‌ها این بود که تاکنون حدود هزار طرح شناسایی شده و حدود ۱۵۰ مورد آن‌ها تجاری سازی شده است.

فتحعلی زاده بعضی نخبگان را به عنوان سرباز و وظیفه‌در دفتر مشغول کار می‌کنند و آن‌ها می‌خواهد در دوران سربازی، کارهای تحقیقاتی‌شان را دنبال کنند. طی این سال‌ها هم ۵۰۰ سرباز وظیفه به او رجوع داده شده‌اند.

● تجاری سازی طرح‌ها برای رفع نیازهای نظامی و دفاعی

اوبه طرح‌هایی که در این سال‌ها تجاری سازی شده اشاره می‌کند و می‌گوید: «چون این طرح‌ها بوطه‌مسائل نظامی می‌شوند نمی‌توانیم جزئیات آن‌ها را بیان کنیم اما طرح‌های خوبی توسط جوانان خودمان داده شده که در نتیجه آن موفق به افزایش برد سلاح‌های انفرادی و افزایش برد عملیاتی موشک‌ها شدیم. همچنین جلیقه‌های ضد گلوله‌ای که در گذشته استفاده می‌شد حدود ۴ کیلوگرم وزن داشت و درست زمانی که فرد می‌خواست عازم یک مأموریت خطرناک شود این همه به وزنش اضافه می‌شد اما با کمک همین نخبگان، اکنون جلیقه‌های ضد گلوله‌ای ساخته شده که فقط حدود ۳۰۰ گرم وزن دارد.»

به گفته فتحعلی زاده ۱۰ موضوع توسط ارتش تعریف شده که در اولویت هستند و از آن‌ها حمایت بیشتری می‌شود. در واقع این موضوع‌ها نیازهای نظامی و دفاعی کشور هستند و برای هر نخبه‌ای که طرحش پذیرفته شود اگر مرد باشد بین ۴ تا ۱۱ ماه کسری خدمت در نظر گرفته می‌شود. طرح‌های خانم‌ها هم خرید می‌شود البته بین آقایان هم اگر کسی به هر دلیلی نخواهد از کسری خدمت استفاده کند، می‌تواند طرحش را به ارتش بفرشد.

● سرخوردگی نخبگان در داخل و استقبال از خارج

فتحعلی زاده سال ۹۷ بازنشسته شده اما دوباره برای پنج سال دیگر مشغول کاری می‌شود و همچنان در سمت خود قرار دارد. او که شاهد سرخوردگی نخبگان در داخل کشور و جذب آن‌ها به دیگر کشورهاست، می‌گوید: «ما جوانان توانمند، خوش فکر و با استعداد زیادی داریم اما متأسفانه به طرح‌ها و ایده‌های آن‌ها بهاداد نمی‌شود و شاهدیم که طرح‌هایی با چاه ارزش زیادی در کتابخانه‌ها خاک می‌خورند.»

اومی گوید: «همان طور که یک بچه پراشور و انرژی است و باید فضای مناسب برای تخلیه انرژی‌اش را فراهم کرد. نخبگان هم پرا ایده و استعداد هستند و به شدت دنبال جایی می‌گردند که امکان بروز این توانایی‌ها و به منصف ظهور رساندن ایده‌شان را داشته باشند حال اگر ما این استعدادها استفاده نکنیم دیگران قدرشان را به خوبی می‌دانند و با بهترین امکانات پذیرای آن‌ها هستند.» فتحعلی زاده تأکید می‌کند که باید بین نخبگان با مدیران، کارخانه‌داران و کارفرماها رابطه ایجاد کرد چرا که نخبگان طرح‌های بسیاری برای افزایش راندمان و کیفیت کاری دارند. /

از آن طرف نیروهای ما با کمبود آب، غذا و مهمات روبه‌رو بودند. خطر کردم و با ماموشین خراب راهی شدم. بعد از این حادثه هم با هزینه شخصی خسارت‌های وارد شده را پرداخت کردم. به هر حال این جور مسائل هم بخشی از ویژگی‌های کار در ارتش است چرا که قوانین حاکم است و در هیچ شرایطی نباید از آن سرپیچی شود.

● تغییر سنکر

فتحعلی زاده سال ۸۱ دوباره به اصفهان می‌رود و این بار دوره‌های کارشناسی عالی توپخانه صحرایی و موشک‌ها را می‌گذراند. او که سال ۷۴ از دواج کرده بود، تا این زمان به دلیل حضور در مناطق عملیاتی، همسرش در مشهد بود اما از این سال همراه یکدیگر به اصفهان می‌روند. او پس از اتمام دوره آموزشی‌اش به دلیل رتبه خوبی که کسب می‌کند اجازه داشته شهر محل کارش را خودش انتخاب کند و بدین وسیله به مشهد باز می‌گردند. به گفته خودش آن‌ها در واقع از سال ۸۱ تا ۸۶ در بخش توپخانه صحرایی لشکر می‌چشند. آقا فتح... از سال ۸۲ تا ۸۶ در بخش توپخانه صحرایی لشکر ۷۷ پیروز ثامن الائمه^(ع) خدمت می‌کنند و از سال ۸۶ به عنوان معاون شعبه عملیات این لشکر منصوب می‌شود. فتحعلی زاده گهگاه مقاله می‌نویسد و کارهای تحقیقاتی انجام می‌دهد برای همین از سال ۸۶ که در هر یگان ارتش، شعبه تحقیق و پژوهش شکل می‌گیرد، فرمانده وقت لشکر ۷۷ پیروز ثامن الائمه^(ع)، او را با حفظ سمت، مسئول واحد تحقیق و پژوهش می‌کند. از این پس سنکر او تغییر می‌کند و او در عرصه علم و دانش می‌شود. اومی گوید: «با پذیرفتن این مسئولیت دیدم بهترین تحقیق‌ها پژوهش‌ها مربوط به نخبه‌هاست برای همین تصمیم گرفتم آن‌ها را شناسایی کنم. سراغ دانشگاه‌های می‌رفتم یا از طریق اینترنت، دانشجویانی را که مقاله‌ها و ایده‌هایشان در منابع معتبر چاپ شده بود پیدا می‌کردم. از آنجایی که اولویت ارتش، طرح‌ها و ایده‌های نظامی بود، بیشتر دنبال



حل مشکلات توسط نخبگان

به عقیده او تمام مشکلات ما توسط نخبگان و دانشجویان خودمان حل شدند است اما به دلیل اینکه شایسته سالاری نمی‌شود و مدیریت‌ها به دست افراد غیرمتخصص داده شده، از این ظرفیت بزرگ بهره کافی را نمی‌بریم. او می‌گوید: «وقتی مدیری با مدرک غیرمرتبط، بدون توانایی لازم و براساس رابطه، مشغول کار می‌شود، هیچ وقت اجازه نمی‌دهد افراد توانمندتر از خودش روی کار بیایند چرا که می‌ترسد جایگاهش را از دست دهد برای همین شاهدیم که چطور چوب لای چرخ نخبگان گذاشته می‌شود به طرح‌هایشان بی‌اعتنایی می‌شود.» او انعطاف پذیر نبودن مدیران را از دیگر مشکلات نخبگان بیان می‌کند و درباره‌اش چنین توضیح می‌دهد: «متأسفانه مدیران ما به همان روش‌های سنتی عادت کرده‌اند و حتی وقتی طرحی کیفیت کارشان را افزایش می‌دهد، حاضر به پذیرفتن روش‌های جدید نیستند. در واقع مقابل تغییر مقاومت می‌کنند. این باعث می‌شود که طرح‌های مفید نخبگان بی‌استفاده بماند اما اگر مدیرانمان جزو افراد متخصص و آگاه باشند خودشان دنبال نخبگان می‌آیند و از نظرات و ایده‌های آن‌ها استفاده می‌کنند.» به نظر فتحعلی زاده اگر امکانات و محیط مناسب را برای نخبگان فراهم کنیم یک ایده آن‌ها تبدیل به ۱۰ ایده می‌شود اما متأسفانه سال‌هاست که حتی امکانات حداقلی در اختیار آن‌ها قرار نگرفته و این‌ها باعث می‌شود که به راحتی جذب سایر کشورها شوند.

افسری را انتخاب کند. او سال ۶۷ از طریق کنکور وارد این دانشگاه می‌شود و دوره‌های آموزشی مختلفی از جمله رزم در جنگل، جنگ در کوهستان، تکاور، چتر بازی و پدافند غیرعامل را فرامی‌گیرد تا اینکه سال ۷۱ با مدرک لیسانس دانش آموخته می‌شود. او سال ۷۲ به اصفهان می‌رود و دوره تخصصی مقدماتی توپخانه را می‌گذراند. از این پس مسئولیت‌های تخصصی تری به او می‌دهند و فرماندهی آتشبار را بر عهده‌اش می‌گذارند.

● هم سفره با مار و عقرب

فتحعلی زاده از سال ۷۲ تا ۷۶ در منطقه عملیاتی بوده است. از جمله در دشت عباس تنگه ابوغریب حضور داشته که خاطرات زیادی از آن سال‌ها دارد: «آنجا مارهای بزرگ و خطرناکی داشت بارها پیش می‌آمد که به عنوان مثال در حال خوردن ناهار بودیم و یک مار با عقرب وسط سفره مان می‌افتاد. حتی یک بار دنبال سربازی می‌گشتیم و او را در حالی پیدا کردیم که حیوانات تمام بدنش را خورده و فقط پوتین‌هایش باقی مانده بود.» او بارها در میدان نبرد شاهد قطع عضو یا شهید شدن دوستانش بوده و حتی در میدان مین جلوی چشمش شکم دوستانش پاره می‌شود و قلب، روده و سایر اعضای بدنشان به طرفی پرت می‌شود.

فتحعلی زاده به طوفان‌های ۱۲۰ روزه زابل اشاره می‌کند و ادامه می‌دهد: «یک روز با کامیون به ایران‌شهر (از شهرهای نزدیک مرز زابل) آمدیم تا آذوقه و مهمات برداریم. در مسیر برگشت ناگهان چراغ‌های کامیونمان خاموش شد. راننده‌ای که داشتیم از مجروحان جنگی بود و به علت برخورد ترکش با سرش، مشکلات عصبی و تمرکز داشت. دیدم با این وضعیت چراغ خاموش و جاده طوفانی نمی‌تواند رانندگی کند. از طرفی قرار بود شب عملیات داشته باشیم و باید به پادگان می‌رسیدیم تا غذا و آب و مهمات را در اختیار نیروهایمان گذاشتیم. خودم پشت کامیون نشستم و راننده را سوار یک ماشین رهگذر دیگر کردم و به آن‌ها گفتم شما بواش حرکت کنید من هم پشت سرتان می‌آیم. ۲۰۰ متر مانده بود به مقصد، ماشین جلویی گاز را گرفت و رفت. در همین فاصله به گارد ریل‌های کنار جاده خوردم، ماشین چپ کرد و من بیهوش شدم. وقتی سلامتی ام را به دست آوردم بر حسب قوانین ارتش متهم بودم به اینکه چرا از ماشین خراب استفاده کرده‌ام. ما نظامیان همیشه در معرض چنین تصمیم‌های سختی قرار می‌گیریم من می‌توانستم تا وقتی ماشین تعمیر شود، آن را بخوابانم اما



افزایش توان نظامی با اختراعات داخلی

فتحعلی زاده در ادامه به طرح تیر الکتریکی آتش خمپاره ۱۲۰ و راکت انداز ۱۰۷ اشاره می‌کند که توسط خودش و دو نفر دیگر ایده‌اش داده شده و در آن با تکنولوژی‌ای که به کار رفته است در عرض یک تا سه دقیقه جهت یابی علمی می‌شود و اولین موشک به هدف برخورد می‌کند در حالی که قبل از این اختراع، حدود ۱۵ دقیقه طول می‌کشید تا جهت یابی شود و پس از پرتاب دو موشک، سومین موشک به هدف اصابت می‌کرد. به گفته او این اختراع اکنون تجاری سازی شده و حتی در اختیار مرزبانان نیروی انتظامی هم قرار دارد.

فتحعلی زاده همچنین به طرحی برای ذخیره سوخت موشک و طرحی دیگر در رابطه با ربات‌ها اشاره می‌کند که معتقد است تأثیر زیادی در افزایش راندمان کاری و کیفیت نظامی و دفاعی داشته است. او می‌گوید: «با توجه به اینکه اکنون دوره جنگ سایبری است نخبگانمان طرح‌های بسیار ارزشمندی در حوزه اخلاک‌کننده‌های الکترونیکی ارائه کرده‌اند همچنین طرح‌هایی برای افزایش قدرت توپ‌کش‌ها، تانک‌ها و نانو کامپوزیت‌ها داشته‌ایم.»